

آینده‌پژوهی روابط سیاسی ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه

الهام رسولی ثانی‌آبادی*
ابراهیم طاهری**
سید علی پاکزادمقدم***

چکیده

در نظم چندقطبی، مجموعه امنیت منطقه‌ای خاورمیانه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و در عین حال پرتنش‌ترین مجموعه‌های امنیتی نظام بین‌الملل، دو کشور ایران و عربستان به عنوان مهم‌ترین کشورهای این مجموعه نقش بسیار زیادی در تحولات درون منطقه‌ای ایفا می‌کنند. در این میان عواملی همچون: تعارضات ایدئولوژیک، رقابت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، نگاه متفاوت به نقش آمریکا در منطقه، برداشتهای متفاوت از حاکمیت دین، قدرت و عدالت و... موجب حاکم شدن الگوی رقابت میان این دو کشور شده است. اما این الگو می‌تواند با توجه به متغیرهای گوناگون به الگوهای دیگری از روابط میان دو کشور تبدیل شده و پیامدهای متفاوتی بر نظم امنیتی خاورمیانه داشته باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی آینده‌پژوهی روابط سیاسی ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه است، سؤال این پژوهش نیز آن است که سیر تحول در الگوی رفتاری ایران و عربستان سعودی چه پیامدهایی بر این نظم خواهد داشت؟ این پژوهش یک پژوهش تحقیقی، توصیفی با رویکرد آینده‌پژوهانه و با استفاده از روش سناریونویسی می‌باشد.

واژگان کلیدی

ج.ا. ایران، عربستان، نظم منطقه‌ای، خاورمیانه، آینده‌پژوهی.

rasooli@yazd.ac.ir
etaheri@yazd.ac.ir
amirpakzad57@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲

*. دانشیار رشته روابط بین الملل دانشگاه یزد. (نویسنده مسئول)
**. استادیار رشته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه یزد.
***. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه یزد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

مقدمه

ابتدا باید دانست که یکی از اساسی‌ترین مسائل مرتبط با حوزه روابط بین‌الملل، مسئله نظم‌های منطقه‌ای است. در واقع نظم منطقه‌ای در شرایطی ایجاد می‌شود که یک یا چند قدرت منطقه‌ای با قدرتی برتر در حالتی از ائتلاف و یا تضاد قرار دارند و این مسئله خود الگوهای متفاوتی از نظم منطقه‌ای را ایجاد می‌کند که در ارتباط با نظم جهانی است. نظم‌های منطقه‌ای همچنین روندی از گستره رقابت تسلیحاتی تا دیپلماسی منطقه‌ای را شامل شده و براساس آن بازیگران منطقه‌ای هر کدام به فراخور سیاست‌های خود تلاش دارند، تا در راستای ثبات و یا بی‌ثباتی در نظم‌های یادشده کوشا باشند.

در این میان ایجاد نظم منطقه‌ای پایدار در مجموعه امنیتی خاورمیانه، به‌عنوان یکی از مناطق مهم نظام بین‌الملل، یکی از موضوعات اصلی مطالعات و پژوهش‌ها در علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای بوده و هست. این مجموعه امنیتی با نوعی وابستگی متقابل امنیتی، تعریف و مشخص می‌شود که میان کشورهای منطقه از مراکش تا ایران وجود داشته و شامل دولت‌های عرب به اضافه ایران و رژیم صهیونیستی می‌شود. این مجموعه از سه زیرمجموعه امنیتی شامات، مغرب و زیرمجموعه خلیج فارس تشکیل شده است که که ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر کلیدی منطقه در زیرمجموعه سوم قرار دارند. (بنگرید به: بوزان و ویور، ۱۳۸۸)

بنابراین در مجموعه امنیتی خاورمیانه، نوع روابط میان این دو بازیگر اصلی تأثیر بسیار مستقیمی بر نظم منطقه‌ای خواهد گذاشت، نظمی که در شرایط کنونی نظمی چند قطبی و براساس الگوی توازن قدرت میان کنش‌گران اصلی منطقه تعریف شده است. به عبارت دیگر الگوی امنیتی در منطقه یادشده، الگوی امنیتی فردگرایانه است که بازدارندگی و توازن قدرت جزو مشخصه‌های اصلی آن می‌باشد. خود بازدارندگی نیز می‌تواند شامل بازدارندگی مستقیم و یا غیرمستقیم، بازدارندگی هسته‌ای و یا غیرهسته‌ای و یا بازدارندگی متقابل و یا غیرمتقابل باشد. (Hinnebusch, 2003)

گفتنی است که الگوی کنونی روابط میان ایران و عربستان، الگوی رقابت همراه با عناصری از بازدارندگی متقابل و غیرمستقیم با برخی از مشخصه‌ها همچون رقابت ژئوپلیتیک میان دو کشور، (اختلاف بر سر حوزه‌های نفوذ) رقابت ژئواکونومیک، رقابت‌های هویتی و ایدئولوژیک، رقابت بر سر رهبری خاورمیانه و نگاه متفاوت به نقش آمریکا در منطقه می‌باشد.

از آنجاکه الگوی روابط میان دولت‌ها به‌طور کامل امری منعطف و سیال بوده و امر ثابتی نمی‌باشد، الگوی روابط میان ایران و عربستان نیز می‌تواند براساس متغیرهای متفاوت تغییر نماید. بنابراین

هدف اصلی پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش سناریونویسی بررسی آینده‌پژوهی روابط سیاسی ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه است، سؤال پژوهش نیز آن است که سیر تحول در الگوی رفتاری ایران و عربستان چه پیامدهایی بر این نظم خواهد داشت؟

چارچوب نظری

۱. مفهوم نظم منطقه‌ای^۱ و قدرت منطقه‌ای^۲

نظم منطقه‌ای را می‌توان سازماندهی رفتاری میان واحدها و کنشگران موجود در یک منطقه تعریف کرد که در نتیجه آن هدف‌های سامانه منطقه‌ای محقق شود. برخلاف نظم قدیمی که در آن ویژگی‌های ژئوپلیتیک نقش اصلی را دارد، نظم جدید حالت چند بعدی دارد. در واقع با افزایش سطح ارتباطات میان کنشگران در سیستم بین‌الملل نوع جدیدی از نظم بر مبنای اشتراک‌های فرهنگی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی شکل گرفته است که برخلاف نوع قدیمی نظم در سیستم بین‌الملل حالت جغرافیایی صرف نداشته و ارتباطات و اشتراک‌ها در آن نقش اصلی را ایفاء می‌کنند. (آقایی، ۱۳۹۴، ۲۵۵)

امروزه توجه بیشتری به نظام منطقه‌ای و حتی نقش آن در شکل‌دهی به ساختار کلان نظام بین‌الملل می‌شود و ادبیات زیادی در این زمینه تولید شده است. فرض اصلی که در تمام این ادبیات وجود دارد آن است که وجود قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای، سیاست‌های آنها و تعامل آنها با دیگر دولت‌های منطقه‌ای برای تبیین و فهم نظام منطقه‌ای بسیار مهم هستند؛ از سوی دیگر مجموعه نظام‌های منطقه‌ای مختلف به‌مثابه نظام‌های فرعی می‌باشند که نظام بزرگ‌تر، یعنی نظام بین‌الملل را شکل می‌دهند. (سلیمی، ۱۳۹۶، ۴)

یکی از مفاهیم مرتبط با مفهوم نظم منطقه‌ای مفهوم «قدرت منطقه‌ای» است، به‌طور کلی قدرت‌های منطقه‌ای قطبیت هر مجموعه امنیت منطقه‌ای را تعریف می‌نمایند. (Buzan and Waever, 2003, 45) از سوی دیگر ممکن است قدرت‌های منطقه‌ای در سطح جهانی دارای اهمیت بسیار زیادی نباشند؛ اما در مناطق خود از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند و معمولاً هم‌الگوهای محلی روابط امنیتی و هم‌شیوه تعامل این الگوها را تعیین می‌کنند. (بوزان ۱۳۹۰: ۹۷)

دانیل فلمز چهار مشخصه را برای قدرت‌های منطقه‌ای تعریف می‌نماید؛ بدین ترتیب که به نظر وی قدرت منطقه‌ای دولتی است که:

1. Regional Order.
2. Regional Power.

- به لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی قرار گیرد؛
- قادر به مقابله با هرگونه ائتلاف سایر دولت‌ها در منطقه باشد؛
- نفوذ بالایی در امور منطقه‌ای داشته باشد؛
- به واسطه منزلت و اعتبار منطقه‌ای خود پتانسیل تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را داشته باشد. (Flemes, 2000)
- به‌طور کلی برای اینکه قدرت منطقه‌ای بتواند در نقش رهبر منطقه عمل کند، بایستی حایز چهار پیش‌شرط مهم باشد:
- **پویایی‌های داخلی:**^۱ پویایی‌های داخلی در اقتصاد و سیستم سیاسی دولت باعث می‌شود، تا قدرت منطقه‌ای بتواند نقش پیش‌رو و ثبات‌دهنده را در منطقه بازی کند.
- **تمایل:**^۲ قدرت منطقه‌ای بایستی نشان دهد که علاقه‌مند به ایفای نقش رهبر و ثبات‌دهنده منطقه می‌باشد.
- **ظرفیت:**^۳ قدرت منطقه‌ای بایستی ظرفیت و توان پذیرش رهبری منطقه را داشته باشد.
- **پذیرش:**^۴ قدرت منطقه‌ای بایستی از سوی همسایگان منطقه‌ای خود به‌صورت رهبر مسئول در قبال امنیت منطقه پذیرفته شود. (Nolte, 2010: 54)

۲. مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۵

- باید دانست که لیک و مورگان مجموعه امنیت منطقه‌ای را گروهی از کشورها می‌دانند که دارای وابستگی متقابل امنیتی‌اند و به‌طور مستمر تحت‌تأثیر یک یا چند عامل خارجی امنیتی که از یک ناحیه جغرافیایی خارجی ناشی می‌شود، قرار می‌گیرند. بنابراین به نظر آنها هر مجموعه امنیت منطقه‌ای می‌تواند یک قدرت بزرگ را به‌عنوان عضو خود داشته باشد، درحالی‌که این قدرت بزرگ هیچ‌گونه قرابت جغرافیایی با اعضای منطقه ندارد. (لیک و مورگان، ۱۳۹۲: ۶۷-۷۰)
- بوزان و ویور مهم‌ترین خصوصیات هر مجموعه امنیت منطقه‌ای را شامل موارد زیر می‌دانند:
 - وابستگی متقابل نسبتاً شدید امنیتی وجود داشته باشد؛ (به‌معنای تأثیر و تأثر امنیتی)
 - وجود چندین دولت مستقل در یک منطقه جغرافیایی خاص که توسط مرزهای مشخص از

1. Internal dynamics.
2. Willingness.
3. Capacity.
4. Acceptance.
5. Regional Security Complex.

مناطق پیرامون خود جدا شده‌اند؛

- چگونگی توزیع قدرت میان دولت‌های عضو یک مجموعه امنیت منطقه‌ای که چگونگی توزیع این قدرت نظم حاکم بر منطقه را نشان می‌دهد. این نظم می‌تواند بسته به نوع توزیع قدرت، تک قطبی، دو قطبی و یا چند قطبی باشد؛

- وجود الگوهای دوستی، رقابتی و یا دشمنی در منطقه که به‌عنوان یکی از خصوصیات مهم هر مجموعه امنیت منطقه‌ای در تعیین ساختار و ماهیت آن مجموعه نقش مهمی دارد. (Buzan and Waever, 2003: 60)

۳. شیوه‌های برقراری نظم منطقه‌ای

مهم‌ترین شیوه‌های نظم امنیتی در یک منطقه عبارتند از:

۱. نظم هژمونیک که در آن قدرت برتر به تنهایی نقش اصلی را ایفا کرده و روابط و مناسبات امنیتی منطقه‌ای را اداره می‌کند؛

۲. نظم موازنه‌ای که در آن قدرت‌های مداخله‌گر همدیگر را متوازن و متعادل می‌کنند؛

۳. نظم کنسرتی که در آن دو یا چند قدرت توافق می‌کنند، تا در مورد حفظ نظم و امنیت منطقه با همدیگر همکاری و هماهنگی داشته باشند؛

۴. نظم امنیتی دسته جمعی، شامل نظم امنیتی چندجانبه‌ای است که کشورها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعقیب می‌کنند. تفاوت آن با نظم کنسرتی این است که در اینجا، مدیریت، حق و امتیاز ویژه قدرت‌های برتر نیست و قدرت‌های کوچک‌تر نیز در مدیریت امنیتی مشارکت دارند؛

۵. نظم جامعه امنیتی تکثرگرا که در آن به‌خاطر به حداقل رسیدن امکان خشونت، ترتیبات امنیتی رسمی وجود ندارد. در چنین شرایطی معمولاً همگرایی منطقه‌ای گسترده‌ای در سطح منطقه وجود دارد. (لیک و مورگان، ۱۳۹۲، ۸۰ - ۸۷).

با توجه به تعاریف یادشده می‌توان این‌گونه بیان کرد که خاورمیانه واجد خصوصیات مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوده و شیوه توزیع قدرت در این منطقه به‌صورت چند قطبی و نحوه برقراری نظم نیز به‌صورت موازنه قدرت می‌باشد. در این موازنه کشورهایمانند: ایران، عربستان، ترکیه و رژیم صهیونیستی به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای نقش اساسی را ایفا می‌کنند و نوع الگوی روابط میان هریک از این بازیگران، تأثیر بسزایی در ماهیت نظم منطقه‌ای خاورمیانه خواهد گذاشت. در ادامه بعد از پرداختن به روش پژوهش به سناریوهای مختلف روابط میان ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه خواهیم پرداخت؛ چراکه ساختار و پویایی‌شناسی شکل‌دهنده به مجموعه

امنیتی از جمله خاورمیانه معمولاً تنها با واحدهای موجود در آن تولید نمی‌شود؛ بلکه با استنباط آنها از امنیت و تعامل با یکدیگر به وجود می‌آید. (Reynolds, 2009, 14)

روش‌شناسی: سناریونویسی

آینده‌پژوهی به مجموعه‌ای از تلاش‌هایی که با جستجو در منابع، الگوها و عوامل متغیر و ثابت با هدف تجسم آینده‌ای بالقوه و برنامه‌ریزی متناسب با آنها صورت می‌گیرد، می‌گویند. در دانش مذکور، تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های علمی، به جای تصور ساده آینده به گمانه‌زنی‌های مبتنی بر دانش درمورد چندین آینده پرداخته شود؛ این روش، مشتمل بر اطلاعات ساماندهی‌شده و سازمان‌یافته مربوط به وقایع و رویدادهای ممکن در آینده بر مبنای دیدگاه‌های مختلف از آینده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین تکنیک آینده‌پژوهی، سناریونویسی است.

سناریوها مهارت اندیشیدن به آینده و قدرت تجسم و ابداع آینده‌های بدیل و مطلوب را به ارمغان می‌آورد. سناریو پیش‌بینی نیست؛ بلکه روشی برای کنار هم قرار دادن ایده‌ها و احتمالات است، به‌گونه‌ای که ارتباط منطقی و معنادار میان آنها وجود داشته باشد. سناریو باید به اندازه کافی واضح و روشن باشد، تا هرکس بتواند آینده خود را به‌خوبی درک کند.

هرمان کان پدر سناریونویسی، سناریو را توصیف داستان‌گونه از آینده می‌داند. تحقق و یا عدم‌تحقق هر سناریو، ملاک مناسبی برای قضاوت درمورد درستی و یا نادرستی آن نیست. ارزش سناریو در تحقق کامل آن نیست؛ بلکه در تأثیری است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های درست امروز داشته باشد. (کیقبادی، ۱۳۹۷: ۸۱)

گفتنی است روش مذکور به‌خصوص برای کمک به درک رویدادهایی که به نظر می‌رسد شامل ترکیبی از اطلاعات نامرتب به هم باشند، مفید است. سناریوها باید به‌خودی‌خود تصاویر ثابتی از وقایع ممکن در آینده را ارائه دهند و باید ترکیبی از مؤلفه‌های کمی و کیفی مرتب‌شده و ترتیب‌یافته، به‌عنوان شرط‌های منطقی که گزینه‌های دیگر برای آینده هستند، باشند. بسته به موضوع و شرایط تعداد سناریوها معمولاً محدود به دو یا سه مورد است.

مهم‌ترین مزیتی که روش یادشده دارد، یکپارچه‌سازی ابهامات و عدم‌حتمیت‌های موجود در دیدگاه‌های مختلف است. این روش می‌تواند به خوبی احتمالات مختلف در رخداد‌های مربوط به آینده را تصریح کند؛ ولی درعین‌حال مشکل سناریونویسی که از آن به‌عنوان محدودیت روش تلقی می‌شود، وابستگی سناریوها به افکار و اهداف تفکرات نویسنده سناریو است. (وندل، ۱۳۹۶: ۱۴ - ۱۵)

درواقع، سناریونویسی آنقدر بر اهداف آینده‌پژوهی منطبق است که آن را مهم‌ترین ابزار آینده‌پژوهی به حساب می‌آورند. وندل بدل معتقد است که تمام روش‌های آینده‌پژوهی می‌تواند سبب تدوین سناریو شود. هریک از آینده‌پژوهان به شیوه‌هایی از سناریو استفاده می‌کنند و به‌همین دلیل نیز این روش، گسترده‌ترین ابزار روش‌شناختی مشترک در میان آینده‌پژوهان به‌شمار می‌آید. طراحی سناریو براساس این فرض است که آینده با توجه به عدم قطعیت‌های بزرگی ایجاد می‌شود. بنابراین این نگاه اساسی در طراحی سناریو وجود دارد که باعث می‌شود مدیران مجبور به شناخت عدم قطعیت‌ها شوند و با تفکر در مورد گزینه‌های چندگانه و آینده‌های متفاوت، این عدم قطعیت‌ها را تفسیر و بیان کنند. (وندل، ۱۳۹۶: ۱۸)

باید توجه داشت که طراحی سناریو یک روش برای توسعه و تفکر درباره موقعیت‌های آینده ممکن براساس چندین سناریوی مختلف است. هدف این تکنیک پیش‌بینی دقیق آینده نیست؛ بلکه هدف از تدوین سناریوها این است که به غلبه بر سوءگیری ادراکی و تمایلات یک‌جانبه مدیران سازمان‌ها و رهبران کشورها در مورد آینده، استراتژی‌های بهتری اتخاذ شوند. طراحی سناریو براساس این فرض است که آینده با توجه به عدم قطعیت‌های بزرگی ایجاد می‌شود. بنابراین این نگاه اساسی در طراحی سناریو وجود دارد که باعث می‌شود مدیران مجبور به شناخت عدم قطعیت‌ها شوند و با تفکر در مورد گزینه‌های چندگانه و آینده‌های متفاوت این عدم قطعیت‌ها را تفسیر و بیان کنند. (کوزو و گاسنر، ۱۳۹۶: ۵۷)

بنابراین سناریو پیش‌بینی نیست؛ بلکه روشی برای کنار هم قرار دادن ایده‌ها و احتمالات است، به‌گونه‌ای که ارتباط منطقی و معناداری میان آنها وجود داشته باشد. سناریو باید به‌اندازه کافی واضح و روشن باشد، تا هرکس بتواند آینده خود را به‌خوبی درک کند. هرمان کان^۱ پدر سناریونویسی، سناریو را توصیف داستان‌گونه از آینده می‌داند. تحقق و یا عدم تحقق هر سناریو، ملاک مناسبی برای قضاوت در مورد درستی و یا نادرستی آن نیست. ارزش سناریو در تحقق کامل آن نیست؛ بلکه در تأثیری است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های درست امروز داشته باشد. (کیقبادی، ۱۳۹۷: ۸۱)

گفتنی است طراحی سناریو کمک می‌کند، تا راهبردها را بهبود بخشیم. برای مقابله با رویدادهای غیرمنتظره برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر درست حرکت کنیم؛ اما سناریونویسی نه تنها ابزار برنامه‌ریزی؛ بلکه ابزار یادگیری نیز هست. تفکر در سناریوها به ما کمک می‌کند که نیروهای پیشران، عوامل کلیدی، بازیگران اصلی و پتانسیل‌های خود برای اعمال نفوذ را شناسایی کنیم.

درنهایت بایستی خاطر نشان کرد که بسیاری از روش‌های آینده‌پژوهی، از جمله سناریونویسی

1. Herman Kahn.

مبتنی بر اصل «شباهت آینده به حال» یا «آینده امتداد حال» هستند. اغلب روش‌های یادشده به پیش‌بینی برای شناخت آینده متعارف که ادامه روندهای گذشته تا حال هستند، می‌پردازند. به عبارتی اغلب روش‌های آینده‌پژوهی، آینده محتمل، نه ممکن را کاوش می‌کنند؛ چراکه آینده‌های محتمل را کاوش کرده و سعی دارند آنچه را بر مبنای امتداد اوضاع گذشته، تا وضعیت کنونی برای آینده پیش‌بینی کنند.

آینده‌پژوهی به صورت عام و سناریونویسی به صورت خاص، تلاش می‌کنند، تا سناریوهای ممکن را شناسایی کند، سپس با استفاده از تکنیک‌های خاص، سناریوهایی را که احتمال وقوع بیشتری دارند را شناسایی کنند که به این دسته سناریوها، سناریوهای احتمالی گویند؛ سپس در میان سناریوهای احتمالی سناریوی مطلوب را شناسایی کرده و تلاش کنند زمینه تحقق آن را فراهم آورند. بنابراین به نظر می‌رسد، سناریونویسی تلاش می‌کند از مرز آینده‌های محتمل فراتر رفته و تلاش کند، تا در محدوده آینده باورپذیر، آینده‌های بدیلی را بجوید که شاید با آینده متعارف و محتمل متفاوت باشد، شناسایی و ردیابی سناریوهای محتمل با این هدف است که از غافلگیری و احتمال شکست ممانعت به عمل آید. (حاجیانی و قصاب، ۱۳۹۲: ۴۵)

بررسی سناریوهای مختلف در روابط میان ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه

در مبحث پیش‌رو به بررسی شش سناریوی مختلف که می‌تواند در روابط میان ایران و عربستان به عنوان دو کشگر مهم منطقه‌ای به وجود آید و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه خواهیم پرداخت.

۱.۴. سناریوی روابط مبتنی بر تعارض و شکل‌گیری نظم دو قطبی انعطاف‌ناپذیر: این سناریو بیانگر این است که نظم مبتنی بر موازنه قوا در منطقه ادامه پیدا کند که البته دو کشور تلاش می‌کنند نظم منطقه‌ای را به سمت دو قطبی انعطاف‌ناپذیر سوق دهند و قدرت‌هایی همچون، ترکیه، مصر و کشورهای عربی را وارد بازی‌های اتحاد و ائتلاف خویش کنند. در این صورت، هر کدام از دو کشور ایران و عربستان تلاش خواهند کرد، تا در تثبیت ایدئولوژی و اهداف خود در خاورمیانه عمل کنند و در این بین در راستای تثبیت موقعیت خود در برابر رقیب با استفاده از قدرت سخت و نرم خود می‌پردازند. در نتیجه این وضعیت می‌توان احتمال داد که با گسترش دیدگاه دو قطبی منطقه خاورمیانه در کنار ایجاد امنیت، می‌تواند پروسه‌هایی از ناامنی را نیز در منطقه به دنبال داشته باشد.

ویژگی‌های سیستم فوق در یک منطقه عبارتست از: تقسیم منطقه به دو بلوک یعنی بلوک همراه

ایران و بلوک همراه عربستان و دو بخش تحت نفوذ، تأسیس اتحادیه‌های نظامی و اقتصادی متقابل که از مدت‌ها پیش عربستان آن را شکل داده بود و ایران نیز با ابتکار هرمز به دنبال آن است، وضعیت نه جنگ و نه صلح و جایگزین شدن بی‌اعتمادی به‌جای تفاهم در تعیین اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اعضای هر دو بلوک؛ زیرا هر بلوک برای مقابله با خطر احتمالی بلوک دیگر به نظارت و کنترل استراتژی‌های بلوک دیگر مشغول است.

با وجود برتری ایران و عربستان در نظام منطقه‌ای خاورمیانه بایستی انتظار داشت، هر دو قطب قدرت سیاست خارجی نسبتاً مشابهی با رویکرد تقابلی را در دستور کار خود قرار دهند. محوریت و هدف اصلی این سیاست خارجی حفظ و تقویت جایگاه درمقابل رقیب است. وجود قطب‌های رقیب سبب خواهد شد که هیچ‌یک از دو قطب قدرت از آزادی عمل کامل برخوردار نباشند.

پیامدهای احتمالی شکل‌گیری نظم دو قطبی انعطاف‌ناپذیر عبارت‌انداز:

- دو کشور همه منطقه خاورمیانه را حوزه نفوذ خود قلمداد می‌کنند و در همه منطقه دخالت جدی خواهند داشت؛

- امکان حل و فصل مشکلات منطقه‌ای به‌ویژه در سوریه، یمن و ... کم می‌شود؛

- در این حالت طبیعی است که البته جنگ‌های نیابتی در سیستم افزون شود؛

- رقابت نظامی و افزایش خریدهای نظامی به همراه میزان سرمایه‌گذاری در حوزه نظامی میان دو کشور به حداکثر میزان ممکن می‌رسد؛

- از میزان همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور کاسته خواهد شد، حتی در حوزه نفتی نیز دو کشور تلاش خواهند کرد وارد بازارهای یکدیگر شده و در قالب بازی حاصل جمعی جبری صفر همدیگر را از میدان رقابت حذف کنند؛

- دو کشور تلاش خواهند کرد، مجامع نظامی منطقه‌ای شکل دهند، برای مثال در این راستا ناتوی عربی از سوی عربستان پدیده منحصر به فرد بود؛

- جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی به بالاترین میزان خود خواهد رسید. طرفین سعی می‌کنند از کوچکترین مسئله‌ای بیشترین استفاده تبلیغاتی را داشته باشند، در واقع جنگ نرم حتی باعث خواهد شد، در کشور سیاست‌های داخلی یکدیگر را به چالش بکشند.

باید دانست که در این نوع از نظم منطقه‌ای هر یک از دو کشور تلاش خواهند کرد، تا با باز کردن پای قدرت‌های بزرگ در منطقه بر میزان قدرت خویش بیفزایند. در این راستا انگلستان با حضور در خاورمیانه، از جمله خلیج فارس به‌نوعی به دنبال محدود کردن نفوذ ایران است و ایران که از این

وضعیت نگران شده است برخلاف استراتژی نه شرقی و نه غربی خویش، تلاش می‌کند با باز کردن پای روسیه به منطقه نفوذ حیاتی خویش، یعنی خلیج فارس به‌نوعی در برابر این وضعیت دست به ایجاد موازنه بزند.

فعال بودن جناح ایدئولوژیک در ایران و ضدیت آنها با عربستان، مخالفت با مذاکرات سازش اعراب با رژیم صهیونیستی و تأکید آنها بر مشی انقلابی در سیاست خارجی سبب خواهد شد، دولت‌های عربی خاورمیانه با دیده تردید به سیاست خارجی ایران نگاه کنند. از طرفی دولت‌های عربی خلیج فارس در سایه حضور آمریکا و انگلستان در منطقه، تمایل چندانی به بهبودی روابط با ایران نخواهند داشت. در نتیجه این وضعیت، هر روز می‌توان شاهد بزرگنمایی دو کشور در ارتباط با اشتباهات احتمالی باشیم.

با کاهش همکاری‌های دو و چندجانبه در منطقه و غالب شدن تک‌روی به‌ویژه از سوی عربستان میزان غلظت آنا‌رشی نیز در منطقه بالا می‌رود که خود سبب واگرایی بیشتر در سطح منطقه می‌شود.

۲.۴. سناریوی دشمنی مدیریت‌شده و شکل‌گیری نظام دو قطبی انعطاف‌پذیر: اگر دشمنی مدیریت‌شده بر روابط دو کشور حاکم شود، احتمال شکل‌گیری نظم مبتنی بر مدل دو قطبی انعطاف‌پذیر وجود دارد. در این حالت ضمن حاکم بودن نظام موازنه قوا در سطح منطقه دو کشور تلاش خواهند کرد، نظم منطقه‌ای را به سمت دو قطبی سوق دهند که البته حالت انعطاف‌پذیر خواهد داشت. برخی کشورها حاضر نخواهند شد در بازی ایران و عربستان وارد شوند، عمان و کویت در این رابطه قابل ذکر هستند.

هریک از ایران و عربستان برای خود گستره ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی را تعریف می‌کند که می‌توان از آنها به‌عنوان ساخت یا سیستم‌های تابعه یاد کرد و در فرصت‌های لازم تلاش می‌کند با رخنه به دورن ساخت هر یک از کشورها، زمینه‌های افزایش قدرت خود را فراهم آورند. به عبارتی، ساخت اولیه سیستم از دو بخش ژئواستراتژیک تشکیل شده است که هر کدام برای خود دارای رهبری مشخص می‌باشند.

برای مثال بخش ژئواستراتژیک ایران با رهبری ایران و روسیه و تا حدودی همراهی چین در منطقه است، این در حالی است که ساخت ژئواستراتژیک عربستان با رهبری آمریکا و همراهی انگلستان است. از سوی دیگر در سیستم مذکور، برخی از مناطق وجود دارند که تحت سیطره هیچ‌کدام از بخش‌های دو گانه نیستند که به‌عنوان غیرمتعهدها از آنها نام برده می‌شود؛ در این راستا می‌توان به منطقه شمال‌آفریقا اشاره کرد که تحت کنترل هیچ یک از دو قطب مذکور نیست و در آن کشورهایی مانند: مصر و مراکش برای خود نقش مستقلی از ایران و عربستان را ایفا می‌کنند.

در این نظام علاوه بر دو بلوک ایران و عربستان، می‌توان شاهد دو گونه دیگر از بازیگران نیز بود که بازیگران بلوکی و بازیگران جهانی از آن جمله‌اند. به‌همین خاطر احتمالاً ایران تلاش خواهد کرد، تا از طریق سازمان همکاری شانگهای نفوذ و قدرت خود را افزایش دهد و عربستان با نزدیکی به ناتو این هدف را دنبال خواهد کرد. بنابراین نوعی سیستم مبتنی بر بازدارندگی میان دو کشور ایجاد خواهد شد و در صورت ایجاد ناکارایی در هریک از بخش‌های آن احتمال فروپاشی آن وجود دارد. (طاهری و صادقی، ۱۳۹۵: ۶۲ - ۶۳)

نکته مهم دیگر اینکه زمینه اتحاد و ائتلاف بین ایران و عربستان از بین می‌رود؛ اما از سوی دیگر اتحادیه‌های رسمی و بلندمدت از جمله اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی و سایر اتحادیه‌ها وجود دارد که این اتحادیه‌ها در میان قدرت برتر بلوکی و بازیگرانی که به صورت سلسله‌مراتبی در بلوک ساماندهی شده‌اند، وجود خواهد داشت. علاوه بر آن سازمان‌های جهانی، از جمله سازمان ملل متحد نیز قادر به اعمال نقش می‌باشند؛ اما به نظر می‌رسد صرفاً در موضوعاتی قادر به ایفای نقش می‌باشند که در حوزه مسائل حساس بین دو رهبر بلوکی به‌شمار نمی‌آید. اگر نظام دو قطبی منعطف برقرار شود آنگاه:

- در سناریو مذکور از میزان خصومت میان دو کشور کاسته می‌شود، به‌خصوص اگر تغییر نخبگانی در دو کشور رخ دهد؛

- در برخی حوزه‌ها شاهد تعدیل دیدگاه دو کشور در تنش‌های منطقه‌ای خواهیم بود؛

- آمادگی نظامی میان دو کشور و خرید تسلیحاتی‌های کلان ادامه پیدا خواهد کرد، به‌خصوص اگر این میزان را با سطح تولید ناخالص داخلی دو کشور و نسبت به بودجه عمومی دو کشور در نظر بگیریم، به‌روزرسانی و افزایش کیفیت سلاح‌ها ادامه خواهد یافت؛

- تلاش‌هایی از سوی برخی کشورها که به‌خصوص وضعیت عدم‌تعهد را برای خویش قائل هستند، صورت خواهد گرفت، تا میان دو کشور میانجی‌گری کنند؛

- از میزان جنگ نفتی میان دو کشور تا حدودی کاسته می‌شود و احتمالاً همکاری‌های میان دو کشور در اوپک صورت خواهد گرفت؛

در آخرین حالت، ممکن است دولت‌های دیگر و ضعیف منطقه برای مثال قطر، عمان از این آزادی عمل در بین قرار گرفتن دو قطب ایران و عربستان برخوردار باشند که به سمت یکی از دو قطب عمده حرکت کنند؛ این وضعیت سبب می‌شود، تا دولت‌های ضعیف‌تر هرچند به شکل محدود، قادر باشند برخی امتیازها از یکی از دو قطب قدرت را کسب کنند.

۳.۴. سناریوی رقابت محض میان ایران و عربستان و نظام مبتنی بر موازنه قوا در خاورمیانه: اگر

روابط ایران و عربستان به سمت سناریوی رقابت محض سوق پیدا کند، احتمال حفظ نظم موازنه قوایی در سطح کلان منطقه خاورمیانه و در هریک از سیستم‌های خرد منطقه خاورمیانه نوعی نظم منطقه‌ای شکل خواهد گرفت بدین صورت که در حوزه شامات، هژمونی رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داشت و نظام بازدارندگی نامتقارن ایران باعث محدودیت‌های جدی بر آزادی عمل این کشور خواهد شد. در منطقه خلیج فارس دو قطبی انعطاف‌ناپذیری میان ایران و عربستان شکل خواهد گرفت و هیچ‌یک از دو کشور امکان ایفای نقش از سوی کشور دیگری با عنوان قطب عدم تعهد را نخواهند داد و در شمال آفریقا نیز نوعی نظام موازنه قوای چندجانبه میان مصر، مراکش و حتی تونس شکل خواهد گرفت.

زیرمجموعه امنیتی خاورمیانه یکی از زیرمجموعه‌های منطقه‌ای است که بعد از جنگ جهانی دوم و مبتنی بر یک مثلث رقابت‌آمیز میان ایران، عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی و حتی مصر به عنوان پایه‌های اصلی نظام موازنه قوا در سیستم جهانی ایفای نقش می‌کند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، این کشورها قادر شده‌اند در نظام موازنه قوایی منطقه ایفای نقش کنند؛ در این سیستم، مجموعه از الگوهای مختلف حکمرانی در کنار یکدیگر هستند؛ اما رقابت‌های مهمی میان پنج کشو نیز وجود دارد که اجازه نمی‌داد بتوانند نقش پیشرو در مسیر حرکت به سوی همکاری‌های منطقه‌ای و ساخت ترتیبات امنیتی را داشته باشند. رقابت‌های ایران با عربستان، مجموعه‌ای از مسائل مانند: اختلافات مرزی و قدرت برتر بودن را شامل می‌شود. (طاهری و شاطری، ۱۳۹۷: ۱۶۰)

الگوی روابط حاکم بر این پنج دولت مهم خاورمیانه به الگوی رئالیستی موازنه قدرت نزدیک‌تر بود. بدین معنا که به واسطه ماهیت محافظه‌کارانه چهار کشور و تلاش یکی، یعنی جمهوری اسلامی، الگوی موازنه قدرت که در پی حفظ وضع موجود و جلوگیری از بهم خوردن معادلات است، مقبول‌تر و مطلوب‌تر بود. از این رو، شکل و ماهیت توزیع قدرت در منطقه خاورمیانه برای هر پنج دولت اهمیت دارد. بدین صورت که توزیع قدرت در منطقه به شکل برابر (تقارن قدرت) بر نابرابری قدرت (عدم تقارن قدرت) ترجیح داده می‌شود. بنابراین، پویایی و ایستایی مجموعه امنیتی خاورمیانه، تابع ساختار قدرت حاکم بر منطقه بود.

با این وجود هریک از پنج کشور به‌ویژه ایران و عربستان تلاش می‌کنند، تا حداقل، توازن قدرت را میان خود نگه دارند و در یک هدف حداکثری آن را به سود خود به هم بزنند. اساس رقابت میان پنج کشور مبتنی بر قدرت بود، بدین معنا که هر کدام از پنج کشور به محاسبه و ارزیابی قدرت خود در مقابل دیگر بازیگران می‌پردازد. در رقابت یادشده، قدرت برحسب مؤلفه‌های مادی و محسوس

تعریف می‌شود و بازیگری خود را توانمند و قدرتمند می‌داند که از مؤلفه‌هایی مانند: سرزمین، جمعیت، جغرافیا و توان نظامی برخوردار باشد.

هر یک از پنج کشور ایران، ترکیه، مصر، رژیم صهیونیستی و عربستان هنگام ارزیابی سیاست‌ها و رفتارهای خارجی یکدیگر به این مؤلفه‌های قدرت توجه می‌کنند و تلاش خواهند کرد که حداقل یا از رقبای خود عقب نباشند و یا حداکثر اینکه از آنها جلو بزنند. به منظور حفظ توازن قدرت مبتنی بر مؤلفه‌های مادی، کشورهای ایران، ترکیه، مصر، رژیم صهیونیستی و عربستان به کشورهای فرامنطقه‌ای نیز متوسل می‌شوند، بدین ترتیب که از آنها کمک‌های نظامی و اقتصادی دریافت خواهند کرد و یا اینکه به صورت انبوه سلاح وارد می‌کردند که درمقابل رقبای منطقه‌ای خود ضعیف به نظر نرسند. در این باره می‌توان به خریدهای تسلیحاتی ایران از روسیه و عربستان از آمریکا اشاره کرد. (قاسمی، ۱۳۹۵: ۶۵).

به یقین، با وجود اختلافاتی که میان پنج کشور وجود داشت، مانند: اختلافات مرزی؛ اما مدیریت تعاملات به گونه‌ای است که وقوع جنگ بعید به نظر می‌رسد. در عین حال، هر پنج دولت در بلوک‌های متفاوتی قرار دارند و به نوعی تابع نفوذ کشورهای هم‌چون آمریکا، روسیه، چین و حتی اتحادیه اروپا هستند. پیامدهای الگوی رقابت محض بر نظم منطقه‌ای موازنه قوایی در خاورمیانه عبارت‌اند از:

- رقابت‌ها بیشتر به حوزه اقتصادی کشیده می‌شود و دو کشور تلاش می‌کنند، تا میزان ظرفیت‌های اقتصادی خود را در قیاس با رقیب افزایش دهند و همکاری‌های اقتصادی البته در قالب اوپک بیشتر می‌شود؛

- جنگ نرم ادامه پیدا خواهد کرد؛ اما به صورت خیلی خفیف و نامحسوس‌تری از سوی هردو طرف دنبال می‌شود، طرفین در تریبون‌های رسمی به گونه‌ای سخن می‌گویند که گویی دشمن نیستند و به‌عنوان دو قطب در تمدن اسلامی وجود دارند؛

- دو کشور اگرچه از نظر اندیشه‌ای در رقابت با همدیگر هستند؛ اما تلاشی در جهت رویارویی با هم نمی‌کنند؛

- سطحی از همکاری در حوزه‌های فرهنگی میان دو کشور صورت می‌گیرد، به‌خصوص از سمت عربستان امتیازاتی به ایرانیان برای در ارتباط با مراسم حج و زیارت اماکن متبرکه داده می‌شود.

۴.۴. سناریوی رقابت مبتنی بر همکاری و شکل‌گیری نظم مبتنی بر کنسرت: اگر رقابت مبتنی بر همکاری بر روابط ایران و عربستان حاکم شود، احتمال شکل‌گیری نظم مبتنی بر کنسرت در منطقه خاورمیانه وجود خواهد داشت. در این راستا مشارکتی میان همه قدرت‌های منطقه‌ای، از جمله ایران،

عربستان، ترکیه، مصر، امارات و حتی عراق برای حل و فصل مشکلات منطقه‌ای دوراز ذهن نخواهد بود. در سناریو یادشده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حوزه نفوذ همه قدرت‌ها روشن است و هیچ‌یک از کنشگران تلاشی در جهت ورود به حوزه نفوذ دیگر نمی‌کنند؛ در این راستا می‌توان گفت حوزه نفوذ ایران، خلیج فارس و شامات خواهد بود و این کشور از ورود به حوزه سایر قدرت‌ها از جمله شمال آفریقا اجتناب خواهد کرد. در صورت تمایل ایران برای ایفای نقش در سایر زیر سیستم‌های منطقه‌ای احتمالی با واکنش منفی سایر قدرت‌ها روبه‌رو خواهد شد. حوزه نفوذ عربستان سعودی بیشتر در خلیج فارس و دریای سرخ خواهد بود. ترکیه ضمن آنکه در منطقه شامات نفوذ سنتی خود را حفظ می‌کند از طریق شبکه‌های ارتباطی نفتی و گازی تلاش خواهد کرد در منطقه خلیج فارس، اگرچه به صورت خیلی نرم حضور به هم رساند.

- ایران، ترکیه، عربستان و حتی مصر به عنوان پلیس‌های این نظم ایفای نقش می‌کنند و به ریز قدرت‌های منطقه‌ای اجازه حضور در اتحاد و ائتلاف‌های خود را نمی‌دهند؛

- رقابت نظامی میان کشورها به صورت سابق ادامه پیدا می‌کند و هریک در تلاش هستند، تا ظرفیت‌های نظامی خود را افزایش دهند؛

- امکان همکاری‌های نظامی - امنیتی میان برخی از قدرت‌های منطقه‌ای وجود خواهد داشت. شاهد همکاری بیشتری میان ایران، عربستان و ترکیه برای حل و فصل چالش‌های منطقه‌ای در سوریه، یمن و حتی بحرین خواهیم بود بدین ترتیب که ایران برتری عربستان را در حوزه حیاتی‌اش، یعنی یمن به رسمیت خواهد شناخت، اگرچه هر نوع نظام حکومتی که در آینده در یمن حاکم شود، به‌ناچار ملاحظات مربوط به نفوذ ایران را نیز در نظر خواهد گرفت. در سوریه دست بالای ایران در تنظیم قانون اساسی به همراه روسیه و ترکیه به رسمیت شناخته خواهد شد، اگرچه میزانی از نفوذ برای عربستان نیز در نظر گرفته خواهد شد.

۵.۴. سناریوی همکاری مبتنی بر رقابت و شکل‌گیری نظم امنیتی کثرت‌گرا؛ اگر سناریوی همکاری مبتنی بر رقابت بر روابط ایران و عربستان حاکم شود، احتمال شکل‌گیری نظم منطقه‌ای مبتنی بر امنیت دسته‌جمعی از نوع کثرت‌گرا در سطح منطقه خاورمیانه وجود خواهد داشت. در این صورت، ایران و عربستان به‌عنوان دو کنشگر اصلی در خلیج فارس اختلافات خود را به حداقل خواهند رساند و روابط آنها با چالش‌های کمی روبه‌رو است.

ایران و عربستان تلاش خواهند کرد به سمت ترتیبات امنیت منطقه‌ای مشترک حرکت کنند، به‌خصوص که حضور و نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای نیز در منطقه خاورمیانه به حداقل رسیده است و

ایالات متحده آمریکا به سمت شرق آسیا و مهار چین متمرکز شده است. در این صورت ایران و عربستان با همراهی سایر کشورها محور اتحاد منطقه‌ای را شکل خواهند داد.

درواقع با خروج آمریکا از خلیج فارس در آینده، زیرمجموعه خلیج فارس به استقلال کامل می‌رسد و بعد از این زمان شاهد شکل‌گیری همکاری جمعی که در بردارنده همه کشورهای منطقه باشد، خواهیم بود. ترتیبات امنیت جمعی با حضور همه اعضای منطقه شکل خواهد گرفت که مورد قبول ایران و عربستان است و سایر کشورها نیز از این طرح ایران و عربستان استقبال خواهند کرد. تنها کنشگری که احتمالاً از این ترتیبات کنار گذاشته خواهد شد، رژیم صهیونیستی خواهد بود که البته به خاطر ملاحظات سیاسی - امنیتی ایران خواهد بود.

بدین ترتیب ابتدا نهادی منطقه‌ای و مهم با حضور ایران و عربستان و سایر کشورها در منطقه خلیج فارس شکل خواهد گرفت و سپس به سایر بخش‌های منطقه خاورمیانه به‌ویژه منطقه شامات و شمال آفریقا با مشارکت مصر و ترکیه سرایت خواهد کرد. اتخاذ موضعی محکم در پشتیبانی از فلسطینیان در کشورهای حوزه یادشده از مراکش گرفته تا عراق، اغلب جزو جدایی‌ناپذیر سیاست رسمی کشورها خواهد بود، اگرچه ممکن است در عمل اتحادی رسمی برای اقدام بر ضد این رژیم از سوی مجموعه مذکور به‌ویژه به خاطر حساسیت‌های خاص نظام بین‌الملل وجود نداشته باشد. (طاهری و صادقی، ۱۳۹۵: ۵۶ - ۵۷)

۶.۴. سناریوی دوستی همه‌جانبه و شکل‌گیری نظم امنیتی از نوع ادغام‌شده: اگر در آینده دوستی همه‌جانبه بر روابط ایران و عربستان حاکم شود، احتمال شکل‌گیری نظم امنیتی دسته‌جمعی ادغام‌شده در منطقه خاورمیانه وجود دارد. بنابراین وضعیت وابستگی امنیتی شکل خواهد گرفت و همین امر منجر به وحدت و همکاری جمعی میان کشورهای منطقه بر ضد تهدیدات امنیتی می‌شود و زمینه‌های رقابت‌ها و خصومت میان آنها به حداقل‌ترین شکل ممکن می‌رسد. امنیت همه واحدها به هم گره می‌خورد و ناامنی هریک از آنها باعث ناامنی دیگری می‌شود، به همین خاطر در برابر جنگ و ناامنی همه واحدها به‌طور مشترک پاسخ می‌دهند؛ احتمال شکل‌گیری نظمی از نوع اتحادیه‌ارویایی در منطقه خاورمیانه وجود خواهد داشت؛ پول واحد خاورمیانه‌ای، ساختار شورایی خاص در این اتحادیه دور از ذهن نخواهد بود. جنگ به‌عنوان دستور کار سیاسی از سطح روابط کشورها حذف می‌شود؛ هیچ اتحاد کوتاه‌مدت یا بلندمدتی میان کشورها بر ضد یکدیگر مگر در برابر تهدیدات فرامنطقه‌ای شکل نخواهد گرفت و در صورت وقوع آن با استفاده از ابزارهای اقتصادی و سیاسی، متجاوز مجازات می‌شود؛ همکاری‌های اقتصادی اولویت زیادی را در روابط دوجانبه میان

کشورها خواهد داشت؛ سطح مبادلات فرهنگی به حداکثر میزان خود می‌رسد.

بنابراین در خاورمیانه نیز با شروع پروژه همگرایی منطقه‌ای، گسترش اقتصاد بازار و به‌طور کلی جهانی شدن در ابعاد مختلف، تعریف حداکثری از حاکمیت‌ها تخفیف پیدا خواهد کرد و به‌وسیله شکل‌گیری رژیم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و عضویت دولت‌ها در آن فضای آنا‌رشی به میزان زیادی تعدیل می‌شود. در شرایط آنا‌رشی با غلظت کم، حس اعتماد به یکدیگر و دشمنی به حداقل‌ترین شکل ممکن، شکل خواهد گرفت. پایین بودن غلظت آنا‌رشی به‌معنای غالب بودن فضای دوستی، صلح، همکاری و خوش‌بینی است. طبیعی است در چنین شرایطی زمینه‌های شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای، نهادسازی و ایجاد ترتیبات امنیتی پایدار وجود فراهم آید. در این صورت در مجموعه امنیت منطقه‌ای خاورمیانه در آینده آنچه بسیار برجسته خواهد بود، پررنگ بودن فرصت‌های همکاری در حوزه‌های مختلف میان کنشگران منطقه‌ای است.

نتیجه

در مقاله پیش‌رو با توجه به در نظر گرفتن منطقه خاورمیانه به‌عنوان مجموعه امنیتی منطقه‌ای مهم در نظام بین‌الملل و با توجه به شناسایی نظم منطقه‌ای مبتنی بر توازن قدرت در این منطقه و شناسایی ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر مهم در معادلات قدرت خاورمیانه با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی به‌عنوان یکی از روش‌های مهم در آینده‌پژوهی به ارائه سناریوهای مختلف روابط ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه در قالب شش سناریو پرداختیم. در مبحث نتیجه‌گیری به آرایه راهکارهایی خواهیم پرداخت که می‌تواند به افزایش نقش ایران در راستای تحقق سناریوی مطلوب کمک نماید.

سناریوهای مطرح‌شده در قسمت قبل به‌ترتیب از بدترین حالت به بهترین حالت رابطه محتمل میان ایران و عربستان حکایت دارند. واقعیت آن است که نوع کنش میان این دو کشور باعث تحقق سناریوی مبتنی بر تعارض در قالب نظام دو قطبی انعطاف‌ناپذیر شده است. کل منطقه خاورمیانه به حوزه نزاع میان ایران و عربستان تبدیل شده و در صورت عدم‌مدیریت ممکن است درگیری همه‌جانبه در منطقه خاورمیانه به وقوع بپیوندد. آنچه باعث وضعیت موجود در رابطه ایران و عربستان شده است، حاصل بیش از ۴۰ سال کنش و واکنش در رابطه میان دو کشور است؛ به عبارتی هویت مبتنی بر دشمنی شکل گرفته میان ایران و عربستان حاصل ردوبدل شدن نشانه‌ها و تفسیر آنها از سوی طرفین طی دوره زمانی بلندمدت است.

طبیعی است که نمی‌توان انتظار داشت با اقدامات لحظه‌ای و ناگهانی رابطه دو کشور را به سمت همکاری‌های راهبردی سوق داده شود. بی‌شک برای تبدیل رابطه دو کشور و تحقق سناریوی آخر، یعنی دوستی همه‌جانبه، بایستی از سناریوی اول شروع کرد و تلاش کرد در مرحله اول رابطه دو کشور به دشمنی مدیریت‌شده سوق داده شود، سپس اقداماتی با هدف ساماندهی رابطه به سمت رقابت محض انجام شود. شاید بتوان رابطه ایران و عربستان را با رابطه آلمان و فرانسه در دوره قبل از جنگ جهانی دوم مقایسه کرد. در این راستا دو کشور چاره‌ای جز مدیریت تنش‌ها ندارند.

ممکن است کسی پیشنهاد دهد که ایران با باز کردن پای روسیه به معادلات منطقه خلیج فارس، تلاش کند نوعی موازنه را در برابر قطب آمریکا و عربستان ایجاد کند؛ این امر با در نظر گرفتن ملاحظات تاریخی دور از عقل و منطق است. زمانی حکومت صفویه برای بیرون کردن پرتغالی‌ها از خلیج فارس، مجبور شد پای انگلیسی‌ها را به این منطقه باز کند و نتیجه حضور بیش از ۴۰۰ ساله این کشور در منطقه بود. از طرفی باز کردن پای روسیه به خلیج فارس باعث محدود شدن حوزه نفوذ حیاتی ایران می‌شود. از طرفی باز کردن پای ترکیه به منطقه خلیج فارس هم می‌تواند حوزه نفوذ حیاتی ایران را تحت تأثیر قرار دهد و مطلوب نیست. طبیعی است که ایران بایستی با ترکیه در حوزه شامات و در نهایت مسئله عراق و سوریه همکاری کند و وارد کردن این کشور به حوزه منافع حیاتی خود می‌تواند پیامدهای ویرانگری در بلندمدت در پی داشته باشد.

اگر ایران قصد خروج آمریکا از خاورمیانه را دارد، بایستی از این‌گونه اقدامات اجتناب کند. شاید برای کاهش تنش‌ها بهترین راهکار این است که خطی مستقیم بین تهران و ریاض برقرار باشد و این اطمینان به عربستان داده شود که ایران به او به دیده احترام و منزلت می‌نگرد. ایران می‌تواند دست عربستان را در یمن باز بگذارد و در عوض در موضوع سوریه از عربستان بخواهد که ابتکار عمل را به ایران واگذار کند؛ چراکه کنترل باب‌المنندب توسط ایران باعث خفگی ژئوپلیتیک عربستان می‌شود، جایی که دو مسیر دیگر انتقال انرژی عربستان به جهان بیرون، یعنی تنگه هرمز، در اختیار ایران است و خلیج عقبه توسط رژیم صهیونیستی کنترل می‌شود.

منابع و ماخذ

۱. آقایی، داوود، ۱۳۹۴، «تبیین ژئواکونومیک نظم منطقه‌ای خاورمیانه و آسیای مرکزی در سیستم جهانی»، *مطالعات اورسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۲.
۲. ای. لیک، دیوید و پاتریک ام مورگان، ۱۳۹۲، *نظم‌های منطقه‌ای، امنیت‌سازی در جهان نوین*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳. بوزان، باری و الی ویور، ۱۳۸۸، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمن قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۴. بوزان، بری، ۱۳۹۰، *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ*، ترجمه عبدالمجید حیدر، تهران، مطالعات راهبردی.

۵. حاجیانی، ابراهیم و محمود قصاب، ۱۳۹۲، «آینده و سناریونگاری؛ طبقه‌بندی روش‌ها و دسته‌بندی سناریوها»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال دوم، شماره هشتم، ص ۶۱-۳۳.

۶. سلیمی، حسین، ۱۳۹۶، «مدل و تحلیل نظری رابطه نظام منطقه‌ای و سیاست خارجی»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، سال سیزدهم، شماره ۳.

۷. طاهری، ابراهیم و علیرضا شاطری، ۱۳۹۷، «آینده فدرالیسم در عراق و سوریه و تأثیر آن بر منافع راهبردی ایران در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، زمستان، شماره ۹۴، ص ۱۵۳-۱۷۲.

۸. طاهری، ابراهیم و امین صادقی، ۱۳۹۵، «تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس»، *مجله سیاست دفاعی*، سال ۲۴، شماره ۹۴، ص ۴۷-۸۸.

۹. قاسمی، فرهاد، ۱۳۹۵، *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*، تهران، میزان.

۱۰. کوزوو، هانا و روبرت گاسنر، ۱۳۹۶، *آینده پژوهی و تجزیه و تحلیل سناریو*، تهران، پشتیبان.

۱۱. کیقبادی، علیرضا، ۱۳۹۷، *تحلیلی بر دو پارادایم آینده پژوهی مدرن و آینده پژوهی دینی همراه با واکاوی نقش شهود در این دو پارادایم*، تهران، آینده پژوه.

۱۲. وندل، بل، ۱۳۹۶، *مبانی آینده پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش*، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

13. Buzan, B and Ole Waever, 2003, *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
14. Hinnebusch, Raymond, 2003, *International Politics of Middle East*, Manchester: Manchester University Press.
15. Buzan, B and Ole Waever, 2003, *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
16. Flesmes, D, 2010, *Regional Leadership in the Global System: Ideas, Interests and Strategies of Regional Powers*, Farnham: Ashgate.
17. Kajander, Tero, 2012, *Future Prospect of the Finish Environment Industry*, Laitos: Department of Information and Service Economy.
18. Nolte, D, 2010, "How to Compare Regional Powers: Analytical Concepts and Research Topics", *Review of International Studies*, Vol 36, No 1.
19. Reynolds, M, 2009, *An Empirical Application of RSC Theory*, fumaglli: MA Thesis University.